



## شهر زیراسپه و چهار اسپ زرین

### مظهری از مدنیت باختر باستان

#### قسمت دوم

ای ستاره گان صبح که گردونه شما تندرو تر از خیال است و اسپان دلیر و تند آنرا میکشند، بسوی مردمان می شتابد تا منزلگه پاکان را جستجو کند.

شکل و محتوی در آثار هنری دو عنصر تشکیل دهنده ای اند که در قدم نخست خصوصیات ظاهری و قابل رویت و در قدم دومی موضوع و پیام های نهفته فرآورده های هنری را بازگو میکند؛ (عرفای عالم اسلام ایندو عنصر را عرض و جوهر گویند). از نگاه شکل طرز لباس و چهره، شاهان هخامنشی با کلاه های بلند، موهای دراز و ریش های بافته شده شان که در مجسمه های سنگی نیم برجسته تخت جمشید به چشم میخورد بسیار مشخص است و شباهت زیادی با سرنشینان گادی زرین حوزه آکسوس ندارند. در مجسمه های رلیف آسوری و پیکره های نیم برجسته تخت جمشید مربوط به ثقافت بین النهرین، عموماً شاهان و رزمجویان در ارابه های جنگی تازیانه در دست و در حال یورش و حمله تبارز یافته که با حالت آرام و صلح آمیز دو مردیکه بدون تازیانه و سلاحی درگادی طلایی باختری نشسته اند شباهتی بهم نمی رسانند. عده ای از هنرشناسان موزیم برتانیای نیز معتقدند که این گادی زرین یک ارابه جنگی نبوده و جنبه مذهبی دارد.

در محموله ای که کیوناری باخود از کابل آورده بود و همراه با گادی زرین به حضور لایتن و ایسرای هند تقدیم کرد، چند پیکره کوچک مردان طلایی نیز بچشم میخورد که شباهت به سرنشینان گادی طلایی داشتند. این مردان مؤقر با کلاه های دراز و به عقب خمیده شان بسته های استوانه نی

شکل درازی را حمل میکنند که نظر به عقاید آیین زردشتی در مراسم خاص Amešāspand آمشه سپنتا (پاکان جاودان) مورد استفاده قرار میگرفت. دربخدی یا بلخ کهن خمچه های باریکی بهم دسته میگردید که درعصاره گیاه سوما ترشده بود و بدینگونه شیره مقدس سوما بر مجمر آتش پاشانده میشد تا آتش پاکان فروزانتر بدرخشد. درفارس و بابل از آنجایکه عصاره سوما کمتر در دسترس بود، زردشتیان عیلام این مراسم را با (برسم) یا شاخه های انار و شیره آن اجرا می نمودند که (Barsam) ازکلمه اوستایی برسمن baresman ریشه یافته .



مبرهن است که ایندو مرد آرام و صلح آمیز با ارابه های جنگی آسوری و هخامنشی وجه مشترکی ندارند و همچنان لباس شان از البسه ماد ها متفاوت است. پیکره های طلایی مردان موبدی که این مراسم خاص را اجرا مینموده اند به گمان اکثر کارشناسان در پیشروی گادی طلایی قرار داشته، اما باز هم برخی ازخاور شناسان غربی تصور میکنند که این اثر هنری ازعیلام به باختر انتقال یافته که ازنگاه منطق تاریخ قرینه ایست بعید، زیرا فرهنگ اوستایی از بلخ آغاز و چندین قرن بعد بسوی عیلام رفت نه برعکس آن. مجمرهای فروزان آتش مقدس درعهد گشتاسپ شاه بلخ که همعصر زردشت بود رواج گسترده داشت چنانچه دقیقی درگشتاسپ نامه گوید:

برافروختم آتش زردهشت

که با مجمر آورده بد از بهشت

ودر جای دیگر:

یکی مجمر آتش بیاورد باز

بگفت از بهشت آوردم فراز

این موکب باستانی با چهاراسپ زرین آن شکوه خاصی دارد و اسپان زرین سم درسروده های اوستایی مورد ستایش قرار گرفته اند. مانند این سروده ازیسنای ۵۷ موسوم به سروش یشت.

سروش نیک اندام پیروزمند گیتی افزای را میستایم چهار تازنده تیزرو، سپید، نورانی و درخشنده، الهی دانا که سایه نمی افکند. از فراخنای آسمانها میگذرد، کفشهای شاخین آنها به زر پوشیده است. تیزتر از همه اسپان، تیز تر از باد ها، تیز تر از باران .

اسپ در فرهنگ آرینه باستان حیوانی بوده که نه تنها بخاطر سرعت و نیرومندی اش ستوده شده، بلکه اسپ رابه پاس نجابت و وفایش، مظهر پیروزی نکویی بریدی ها و پلیدی ها پنداشته اند. شاهان و جنگجویان آریانای قدیم بداشتن اسپان اصیل مباحات میکردند و کلمه اسپ را پسوند نام خود میساختند. اسپه لقب و مرتبتی بود که به شخص شایسته آن داده میشد مانند لهراسپ صاحب اسپان تندرو، زرآسپ سوارکاری با اسب گند مگون وزرین، بیور آسپ به معنی فرمانروای با ده هزار اسپ تازنده، و یشت آسپ سوارکار نجیبی با اسب رمنده وامثال آن. در متون سانسیکرت سوارکارانی راکه از طریق کوبها (کابل) به حوزه سند، کشمیر و شمال هند میرفتند بنام *Aśvakan* (اسوه کان) و درمتون پرکرت که کهنتر از سانسیکرت است به تلفظ *Avagānā* (اوه گانا) یعنی سوارکاران یاد گردیده. در اوستا نیز واژه «اوه گان» به معنی کوبنده و جنگجو آمده. بقول اکثر زبانشناسان کلمه افغان از این ریشه مشتق است و معنی سوارکار را میداده نه قوم و قبیله خاصی را. بقول مرتضی اسعدی نویسنده فرهنگستان های اسلامی نام اوه گانه یا افغان به معنی «سوارکار نجیب» در نزد اعراب هم بر پشتونها و هم بر تاجیکها اطلاق میشد. بدیهست که جلگه های سرسبز بدخشان، سمنگان، قندز، بلخ، جوزجان و فاریاب محل پرورش اصیل ترین نسل اسپ در ازمنه باستان بود و تاکنون مردمان آن به سوارکاری و تربیت اسپان نیرومند و تندرو مشهورند. به هرحال درینجا مراد از اهمیت اسپ و معانی سیمبولیک آن در مدنیت باختر کهن است و طوریکه می بینیم چهار اسپ زرین مهمترین عنصر تشکیل دهنده این اثر هنری بی همتاست.

در دوره هخامنشی، آئین اوستایی مذهب رسمی دولت فارس نبود بلکه پیروانی در میان مردمان آن دیار داشت. آئین زردشتی چندین قرن بعد در عهد اقتدار شاهان ساسانی مذهب رسمی پارسیان گشت، ولی از آنجاییکه یکتعداد سکه ها و جواهرات مربوط به دوره هخامنشی از باختر و بخارا به هند برتانیوی رسیده بود، ازینرو برخی از خاور شناسان قرن نهم برتانیای آنرا مربوط به ساحه اقتدار هخامنشیان پنداشته و بنام هنر هخامنشی یاد کرده اند، در حالیکه تمام آثار این مجموعه مربوط

به دوره هخامنشیان فارس یعنی قرن ششم و نیمه قرن پنجم ق.م. نمی باشد. بطور مثال درین مجموعه زیورات قرن سوم ق.م. مربوط به انتاکیوس کبیرشاه سلوشی یونانی و دیودوتس اول، شاه یونان باختری موجود است.

این حقایق تاریخی موضوع مهمی بود که باید در نامگذاری دقیق تر گنجینه های زرین آکسوس مد نظر گرفته میشد تا ابهاماتی در شناخت بهتر این آثار پدید نمی آمد. از یاداشتهای قرن نهم نویسندگان انگلیس چنین برمی آید که خود نیز دچار ابهاماتی در مورد آثاری که از شمال سرحدات هند یعنی افغانستان به بازارهای راولپندی می آمدند. بازرگانان هندی و بخارایی گاه این آثار زرین تاریخی را بنام طلاها و زیورات باختری و گاهی هم بنام زیورات بخارایی می فروختند. در آنوقت اکثر خاور شناسان برتانیوی با فرهنگ و مدنیت پارینه افغانستان آشنایی کامل نداشتند و باور نمی کردند که افغانستان شیوه هنری خاصی مستقل از پارس و هند داشته باشد. یا شاید بعد از شکست قوای برتانیای در جنگ میوند (سال ۱۸۷۸) و قیام مردم کابل علیه قوای برتانیای در سال ۱۸۷۹، بخصوص کشته شدن کیوناری درین رویداد، برخی از شرق شناسان آنوقت برتانیای نمیخواستند چنین اعتباری را برای افغانها بدهند که گویا این ملت دارای فرهنگ فرهیخته و تمدن بزرگی بوده است. البته این موضوع مربوط به دیدگاه برتانیای قرن نهم میگردد، اما اکنون دولت انگلستان همکاری های زیادی را در مورد بازگرداندن آثار تاریخی افغانستان به موزیم کابل نموده که عملیست قابل قدر، پس فرصت خوبی مساعد گردیده تا در مورد این اثر تاریخی و آثار دیگر هنری افغانستان که در موزیم برتانیای British Museum و موزیم های دیگر جهان چون Metropolitan Museum of Art موزیم هنری مترو پالتن نیورک، موزیم سمت سونین Smithsonian و گالری های مشهور جهان بنام هنر فارس قدیم و یا هند نامگذاری شده اقدامی به شکل رسمی بعمل آید، چون افغانستان به اساس قوانین یونسکو چنین حقی را دارد.

از طرفی پیکره های سنگی ناب و زیبای شهزاده خانم های باختری که توسط باستان شناس معروف روسی ویکتور سیریا نادی Viktor Sarianidi از ساحه تاریخی بلخ تا مرو در جنوب غرب ترکمنستان در سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ کشف گردید، غوغایی را در میان هنر شناسان جهان برپا کرد و ثابت ساخت که ساحه تاریخی میان بلخ و مرو و همچنان حوزه باستانی میان آکسوس و اندوس تمدن فرهیخته و فرهنگ مستقلی از فارس و بین النهرین داشته اند، چنانچه شیوه هنری گنده هارا متفاوت از سبک هنری فارس است.

این پیکره ها بیانگر فرهنگ رود آمو و باختر قدیم از ۲۲۰۰ تا ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بوده و نقش زنان را طوریکه درسرودهای ویدی و متون اوستایی انعکاس یافته باز گو مینماید. درین بسترثقافتی کهن مدنیت های ویدی و اوستایی شگوفا شد و به اراکوزیا (قندهار) و درنگیانه (زرنج) رسید. دامنه این تمدن درشمال کوه های پاراپامیزاد (کوه بابا و هندوکش) ازباخترتا به هریوا (هرات) گسترش داشت واز آنجا درهزاره اول ق.م. بسوی غرب وسعت بیشتر پیدا نمود.

اینجانب نگارنده این مطالب را درسینار علمی یونیورستی کولمبیای نیویارک درسال ۲۰۱۱ و همچنان درصحبث تحقیقی ایکه درکتابخانه کانگرس در روز معرفی کتابم «هنرافغانستان درعرصه تاریخ» در ماه آگست سال ۲۰۱۳ داشتم ارائه کرده ام تا موضوع وضاحت بیشتر پیدا کند و حقوق تاریخی افغانستان دریک مجمع علمی بصورت رسمی مطرح گردد. البته هرگونه اقدام رسمی درینمورد خارج ازحیطه صلاحیت من بوده و مربوط به مراجع ذیصلاح دولت افغانستان میباشد. از آنجایکه اکثر آثار زرین گنجینه های آکسوس از طریق افغانستان به هند برتانیوی رفته، و مهمتر از آن چون گرانبهاترین آثار این مجموعه از خاک افغانستان بدون اجازه رسمی مقامات افغانی توسط افسران نظامی و نمایندگان سیاسی دولت برتانیای به موزیم ویکتوریا البرت انتقال داده شده، حقوق تاریخی افغانستان بیشتر از تاجکستان و ایران درین مجموعه تثبیت است. البته توجه مقامات رسمی کشور درین رابطه و آثار تاریخی دیگر افغانستان که در موزیم های معتبر جهان قرار دارند امریست مهم و ضروری.

### یادداشت:

آثار هنری تاریخی افغانستان که در مرزهای بیرونی کشور دیده میشوند به سه دسته تقسیم گردیده میتواند:

اول: آثاریکه در اثر کاوش های قانونی باستانشناسی کشف گردیده و بر اساس قرار داد های رسمی بنام آثار هنری افغانستان در موزیم ها و گالری های جهان چون موزیم گیمه پاریس ثبت اند که درین مورد موضوع روشن است.

دوم: این دسته شامل آثاری اند که در سده نهم و آغاز قرن بیستم توسط خاور شناسان غربی جمع آوری گردیده و بنام کشور های دیگر چون هنر فارس و هند مشهور گشته اند، مانند آثار هده جلال آباد بنام (هنر هندی) Indian Art و نقاشیهای میناتوری هرات بنام (هنر فارسی) Persian Art و امثال آن که درین مورد باید توجه جدی صورت گیرد.

سوم: آثاریکه در جریان جنگهای سه دهه اخیر، بخصوص دهه نود در اثر کاوش های غیر قانونی، سرقت آثار باستانی از موزیم کابل و ساحات تاریخی افغانستان بیرون گردیده و در نزد کلکسویزهای ثروتمند جهان قرار دارند. یکتعداد این آثار به کمک پولیس بین المللی و کشورهای دوست به افغانستان برگشته که در طی چند سال اخیر فعالیت مثبت مراجع رسمی کشور، بخصوص کارکنان موزیم ملی افغانستان و برخی از نمایندگی های فرهنگی سفارتخانه ها را در خارج از کشور نشان میدهد. امید است این فعالیت ها در آینده بیشتر گردد.

به آرزوی رفاه و سر بلندی ملت بزرگ افغانستان

### گزیده ای از منابع و مأخذ:

۱. احمد علی کهزاد، تاریخ افغانستان در مجموعه سه جلد، بنیاد نشراتی میوند، سال ۲۰۰۸ میلادی، کابل.
۲. عبد الحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، انتشارات سازمان مهاجرین افغانستان، ویرجینیا، ۱۹۸۹
۳. محمد حیدر ژوبل، تاریخ ادبیات افغانستان، بنگاه نشراتی میوند، کابل، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ خورشیدی.
۴. میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، مطبعه دولتی کابل، ۱۳۴۶ خورشیدی.
۵. پروین شکیبا، نگاهی گذرا به ویژگی ها و دگرگونی های شعر فارسی، شرکت کتاب جهان با همکاری انتشارات ایرانزمین، ۱۳۶۶ خورشیدی.
۶. گنج سخن، داکتر ابراهیم صفا (ص ۲۰) انتشارات امیر کبیر، تهران.

### References:

۱. Asvaka = Afghan: The Numismatic Chronicle, ۱۸۹۳, p ۱۰۰, Royal Numismatic Society (Great Britain);
۲. Awq, ۱۹۸۳, p ۵; Alexander, p ۸۷,
۳. J. W. McCrindle says that the modern Afghanistan -- the Kaofu (Kambu) of Hiun Tsang was ancient Kamboja, and the name Afghan evidently derives from the Ashavakan, the Assakenoi of Arrian, the Roman historian.
۴. Library of Congress bulletin WEBCAST: Afghan Art & Architecture

Webcasts for Library of Congress. This information has recently been updated, and is now available. Hamid Naweed spoke about his new book, "Art Through the Ages in Afghanistan"

٦- Collon, Dominique, "Oxus Treasure", Grove Art Online, Oxford Art Online, Oxford University Press, accessed ٤ July ٢٠١٣

٧- Dalton, O.M., The Treasure Of The Oxus With Other Objects From Ancient Persia And India, ١٩٠٥ (nb, not the final ٣rd edition of ١٩٦٣), British Museum, online at archive.org, catalogues ١٧٧ objects, with a long introduction

٨-Boyce, Mary (١٩٨٢), The History of Zoroastrianism ٢, Leiden: Brill